

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«گردآوری شده توسط خیریه شهید علی حساموند»

«تعاون و یاری رسانی»

تعاون در اصطلاح "یاوری و همراهی متقابل" می باشد. این واژه از "عون" به معنی یاری نمودن و در باب تفاعل با معنای به همدیگر کمک کردن و همیاری نمودن آمده است. امروز این مبحث در زندگی اجتماعی اهمیت زیادی پیدا کرده است گرچه این مفهوم در همه زمان ها بوده و دارای اهمیت بالایی است و تقریباً در تمامی فرهنگ ها و ادیان به عنوان یک امر پسندیده و ضروری یاد شده است. در دین اسلام که کامل ترین ادیان است هم به این موضوع توجه چشمگیری شده است

در آیه دوم سوره مائده به خوبی میتوان توصیه به تعاون را مشاهده نمود:

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ

در نیکوکاری و پرهیزکاری یکدیگر را یاری کنید و در گناه و تجاوز ، به یکدیگر یاری نرسانید

مائده ، آیه ۲ .

خدمت به خلق خدا، در فرهنگ تعالیم قرآن و عترت، ارزش و ثواب فراوانی دارد لذا می‌طلبد گره‌گشایی و رفع نیاز از نیازمندان و برادران دینی تبدیل به یک ارزش و یک فرهنگ عمومی شود. چنان‌که امام علی(ع) در این باره به کُمیل می‌فرماید: «ای کُمیل به خانواده‌ات دستور ده در تحصیل مکارم اخلاق بکوشند و حتی در تاریکی‌های شب به برآوردن حاجات مردم و رفع گرفتاری‌های آن‌ها بپردازند، سوگند به خدائی که جانم در دست اوست، هیچ‌کس بر دل انسان مؤمنی سرور و شادمانی وارد نمی‌کند مگر آن‌که خدا از این عمل خیر یعنی سرور و شادمانی، مایه لطفی می‌آفریند که در موقع نزول بلا و به هنگام گرفتاری سریع‌تر از سیلاب در سراسیمگی، به یاری او می‌رسد و او را نجات می‌دهد.

در ادامه به چند آیه از قرآن کریم و روایات در باب این موضوع می‌پردازیم

دستگیری از مستمندان و انفاق به نیازمندان از زیباترین خصلت‌های نیکوی مؤمنان است و به همین دلیل، موردتوجه فراوان در متون دینی واقع شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را در کنار نماز، برجسته‌ترین عبادت مورد تأکید قرآن دانست. مهم‌ترین آثار فردی انفاق عبارت است از: برکت و افزونی مال، دوری از بلا، تزکیه و طهارت نفس،

آمرزش گناهان و.. برجسته ترین آثار اجتماعی آن شامل رفع فقر از چهره ی جامعه ی اسلامی و استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی، پیشرفت و پویایی نظام اقتصادی، صیانت جامعه از تباهی و گسترش فساد می باشد.

در این باره امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: همانا مُهر قبول اعمال شما، برآوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن به آنان در حد توانتان است و الا (اگر چنین نکنید)، هیچ عملی از شما پذیرفته نمی شود.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس یک نیاز مؤمنی را روا سازد، خداوند حاجت های فراوان او را روا سازد که کمترین آن بهشت باشد.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: برآوردن حوائج و نیازمندی های مؤمن از هزار حجّ مقبول و آزادی هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهّز در راه خدا، بالاتر و والاتر است.

امام علی (علیه السلام) فرمود: برطرف کردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز: 1- کوچک شمردن خدمت تا خدا آن را بزرگ نماید؛ 2- پنهان داشتن آن تا خدا آن را آشکار کند؛ 3- شتاب در برآوردن نیاز حاجتمند تا مسرت بخش باشد.

همچنین پیامبر اکرم(ص) می فرمایند : (ما نَقَصَ مالٌ مِنْ
صَدَقِهِ قَطٌّ فَأَعْطُوا وَ لَا تَجْبُنُوا) : هیچ گاه مال انسان با صدقه
کم نخواهد شد، پس بدهید و نترسید.

فرازی از وصیت نامه امام علی در باره ایفای حقوق
نیازمندان:

«خدا را، خدا را دربارہ طبقه پایین جامعه در نظر داشته
باش، مردمی که چاره‌ای ندارند، از بیچارگان، نیازمندان،
گرفتاران رنجور و ناتوانان زمین‌گیر. در بین این طبقه، افراد
قانع و سؤال کننده وجود دارد. حقّی را که خداوند برای آن،
نگهبانی‌اش را به تو سپرده، پاس بدار و بخشی از بیت المال
را به آنان اختصاص بده»، (نهج البلاغه، نامه 53).

در نامه‌ای که امام رضا(ع) برای فرزندش امام جواد(ع)
نگاشت، چنین آمده است: ای اباجعفر (کنیه امام جواد(ع))
مطلع شده‌ام هر گاه برای بیرون رفتن از منزل سوار
می‌شوی، خادمان تو را از درب کوچک بیرون می‌برند تا
مبادا از جانب تو کسی بهره‌مند شود. به حقّی که بر تو دارم
از درب بزرگ رفت و آمد کن. موقع خروج، طلا و نقره
همراه داشته باش. هرکسی چیزی خواست بده و اگر
عموهایت درخواستی داشتند به آنان نیکی کن و کمتر از

پنجاه دینار نده و به عمه‌ها نیز کمتر از بیست و پنج دینار نده. امیدوارم که خداوند تو را بلند گرداند. انفاق کن و از تنگدستی نترس. (داستانهای روایی ص ۱۶۲)

امام حسین (ع):

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَاتَمَلُّوا النِّعَمَ

نیاز مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شما است؛ از این نعمت افسرده و بیزار نباشید.

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۰۵

خدمت به مردم در حدیث امام زمان علیه السلام امام مهدی (ع) فرمود: اَرْخَصْ نَفْسَكَ وَ اجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدَّهْلِيزِ وَ اقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ، نحن ننصرک خودت را در دسترس همگان قرار بده و محل نشستن خود را در در ورودی خانه قرار بده [تا مردم زودتر بتوانند با تو ملاقات کنند] و حاجت‌های آنها را برآور، ما تو را یاری خواهیم کرد. (فرهنگ سخنان حضرت مهدی (ع) ص ۳۷۳)

حضرت علی در باره کمک به دیگران میفرماید: «خداوند روزی نیازمندان و فقرا را در اموال ثروتمندان واجب کرده

است و نیازمندی گرسنه نمی ماند، مگر اینکه توانگری از حق او بهره مند شده باشد». (نهج البلاغه، حکمت 328).

امام علی (ع) و فرد فقیر و محتاج
مردی خدمت حضرت علی علیه السلام آمد و عرض کرد:
یا امیرالمؤمنین من حاجتی دارم .
حضرت فرمود:

حاجتت را روی زمین بنویس ! زیرا که من گرفتاری تو را
آشکارا در چهره تو می بین و لازم نیست بیانش کنی!

مرد روی زمین نوشت .
” انا فقیر محتاج ” من فقری نیازمندم .
علی علیه السلام به قنبر فرمود:
با دو جامه ارزشمند او را بپوشان .
مرد فقیر پس از آن ، با چند بیت شعر از امیرالمؤمنین علیه
السلام تشکر نمود.

حضرت فرمود: یکصد دینار نیز به او بدهید!
بعضی گفتند:

یا امیرالمؤمنین او را ثروتمند کردی !
علی علیه السلام فرمود:
من از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

مردم را در جایگاه خود قرار دهید و به شخصیتشان احترام بگذارید. آنگاه فرمود:

من برآستی تعجب می کنم از بعضی مردم ، آنان بردگان را با پول می خرند ولی آزادگان را با نیکی های خود نمی خرند.

نیکی ها انسان را برده و بنده می کند.

چند آیه در مورد «احسان و نیکوکاری» در قرآن کریم یکی از محوری ترین مسائل قرآن کریم، توجه به احسان و نیکوکاری و انفاق در راه خدا است که بیش از ۱۰۰ آیه درباره این موضوعات نازل شده است. احسان و نیکوکاری مانند نماز گاهی لازم است آن را آشکارا و در ملاء عام انجام داد و گاهی نیز باید مخفی باشد تا ریا محسوب نشود؛ بنابراین آنچه در احسان و نیکوکاری اهمیت دارد خلوص نیت برای خداوند است.

آیاتی همچون (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (البقره: ۲۷۴) تاکید دارد که از جمله عباداتی که می توان پنهانی و ظاهری انجام داد، همین انفاق، احسان و نیکوکاری است.

الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ
(۴) أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)
همانها که نماز را بر پا می دارند، زکات را ادا می کنند، و
به آخرت یقین دارند. (۴) آنها بر طریق هدایت پروردگارشان
هستند، و آنها را رستگاران (۵)

آری نیکوکاران با خدای خویش به وسیله نماز در ارتباطند و
با بندگان خدای مهربان به وسیله پرداخت زکات و انفاق و
کمک به مستمندان ارتباط نیکو دارند و قلبهایی سرشار از
یقین به آخرت. این چنین بندگان رستگارانند..

و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ، إِنَّمَا
نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا
و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک
می دهند. "ما برای خشنودی خدا است که به شما می خورانیم
و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.
مهمترین رکن و اصل انفاق در نظر داشتن رضای خداوند
است که اگر نباشد دیگر انفاق محسوب نمی شود.

چند آیه در مورد «کمک به دیگران»

خدمت به خلق خدا، در فرهنگ تعالیم قرآن و عترت، ارزش
و ثواب فراوانی دارد لذا می طلبد گره گشایی و رفع نیاز از

نیازمندان و برادران دینی تبدیل به یک ارزش و یک فرهنگ عمومی شود. چنان‌که امام علی(ع) در این باره به گُمیل می‌فرماید: «ای کُمیل به خانواده‌ات دستور ده در تحصیل مکارم اخلاق بکوشند و حتی در تاریکی‌های شب به برآوردن حاجات مردم و رفع گرفتاری‌های آن‌ها بپردازند، سوگند به خدائی که جانم در دست اوست، هیچ‌کس بر دل انسان مؤمنی سرور و شادمانی وارد نمی‌کند مگر آن‌که خدا از این عمل خیر یعنی سرور و شادمانی، مایه لطفی می‌آفریند که در موقع نزول بلا و به هنگام گرفتاری سریع‌تر از سیلاب در سراشیبی، به یاری او می‌رسد و او را نجات می‌دهد.

قرآن می‌فرماید ؛ (تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ) : واجب است که در کارهای خیر به یکدیگر کمک کنید. حمایت‌های مردمی به افراد نیازمند، کودکان بی سرپرست، یتام و کسانی که دست یاری دراز کرده اند.

قرآن همچنین می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ؛ خدا احسان شدگان را دوست می‌دارد .) و چقدر خوب است که انسان محبوب خدا باشد . خیلی وقت‌ها در زندگی کارهایی را می‌کنیم که خدا از ما راضی باشد بد هم نیست اما اگر می‌خواهیم خدا از ما راضی باشد ، خدا می‌فرماید : به همدیگر خدمت کنید تا خدا دوستتان داشته باشد .

در آیه هفت سوره طلاق در این رابطه آمده است: (لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا؛ بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند خدا به‌زودی پس از دشواری آسانی فراهم می‌کند.)

دستگیری از مستمندان و انفاق به نیازمندان از زیباترین خصلت‌های نیکوی مؤمنان است و به همین دلیل، موردتوجه فراوان در متون دینی واقع شده است؛ به گونه‌های که می‌توان آن را در کنار نماز، برجسته‌ترین عبادت مورد تأکید قرآن دانست. مهم‌ترین آثار فردی انفاق عبارت است از: برکت و افزونی مال، دوری از بلا، تزکیه و طهارت نفس، آمرزش گناهان و.. برجسته‌ترین آثار اجتماعی آن شامل رفع فقر از چهره‌ی جامعه‌ی اسلامی و استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی، پیشرفت و پویایی نظام اقتصادی، صیانت جامعه از تباهی و گسترش فساد می‌باشد.

در این باره امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرماید: همانا مهر قبول اعمال شما، برآوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن

به آنان در حد توانتان است و الا (اگر چنین نکنید)، هیچ عملی از شما پذیرفته نمی‌شود.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: هر کس یک نیاز مؤمنی را روا سازد، خداوند حاجت‌های فراوان او را روا سازد که کمترین آن بهشت باشد.

امام جعفر صادق (علیه‌السلام) فرمود: برآوردن حوائج و نیازمندی‌های مؤمن از هزار حجّ مقبول و آزادی هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهّز در راه خدا، بالاتر و والاتر است.

امام علی (علیه‌السلام) فرمود: برطرف کردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز: 1- کوچک شمردن خدمت تا خدا آن را بزرگ نماید؛ 2- پنهان داشتن آن تا خدا آن را آشکار کند؛ 3- شتاب در برآوردن نیاز حاجتمند تا مسرت بخش باشد.

همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: (مَا نَقَصَ مَالٌ مِنْ صَدَقِهِ قَطٌّ فَأَعْطُوا وَ لَا تَجْبُنُوا) : هیچ گاه مال انسان با صدقه کم نخواهد شد، پس بدهید و نترسید.

حدیث در مورد «گره‌گشایی از کار مردم»

خدمت به خلق خدا، در فرهنگ تعالیم قرآن و عترت، ارزش و ثواب فراوانی دارد. حتی در روایات، دستگیری از دیگران و گره گشودن از مردم، نسبت به برخی اعمال عبادی نظیر حج یا عمره مستحب، از ثواب والاتری برخوردار است. احادیثی که از رهبران معصوم ما، در زمینه گره گشایی از کار مردم و رفع نیاز از آنان وارد شده، شامل آن کسی است که بتواند حاجتی از دیگری را برآورد چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ معنوی مانند نصیحت، مشکل اداری، اجتماعی و... چنان که

پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: مؤمنان برادران یکدیگرند که بعضی از آنان نیازهای بعضی دیگر را رفع می‌کند و خداوند هم نیازهای او را برآورده می‌کند. از بهترین اعمال این است که انسان مؤمنی را شاد، یا گرسنگی را از او دفع کند و از غصه برهاند یا قرض او را ادا کند یا به او لباس بدهد.

نبی مکرم اسلام(ص) همچنین فرموده است: مردم به منزله عیال خداوند می‌باشند، دوست داشتنی‌ترین خلق پیش خدا کسی است که به مردم نفع برساند یا خانواده‌ای را خوشحال کند یا با برادر مسلمان‌ش به‌خاطر برآوردن حاجتش راه برود، این عمل از اعتکاف دو ماه در مسجدالحرام بهتر است.

امام صادق (ع) فرمود: ایمان به خدا، پیامبر و علی نیاورده کسی که برادر مؤمنش نزد او آمده تا نیازش را برآورده سازد؛ اما او با روی گشاده از نیازمند استقبال نکند، اگر نیاز او به دست خودش برآورده می‌شود به سرعت اقدام کند و اگر خودش نمی‌تواند حاجت او را برآورده سازد، بکوشد تا از طریق دیگران نیاز او را برآورده سازد، پس اگر خلاف این دستور عمل بکند میان ما و او ولایتی نیست.

- نه هزار سال

میمون بن مهران گفت: نزد امام حسن علیه السلام نشسته بودم که مردی آمد و گفت: ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله فلان شخص از من طلبی دارد ولی من پولی ندارم، برای همین او می‌خواهد مرا زندانی کند.

امام فرمود: در حال حاضر مالی ندارم که بدهی تو را بدهم؛ او عرض کرد: پس شما کاری کنید که او مرا زندانی نکند.

امام در حالی که در مسجد مشغول عبادت (اعتکاف) بود، کفش‌های خود را به پا کرد. من گفتم ای فرزند رسول خدا مگر فراموش کردید که در حال اعتکاف هستید (و نباید از مسجد خارج شد)؟ فرمود:

فراموش نکردم اما از پدرم شنیده‌ام که رسول الله می‌فرمود:
کسی که در بر آوردن حاجت برادر مسلمان خود بکوشد،
مانند کسی است که نه هزار سال، روز را به روز و شب را
به عبادت مشغول بوده است.

• قطع طواف

ابان بن تغلب گفت: به همراه امام صادق علیه السلام مشغول
طواف کعبه بودم. در اثناء طواف یکی از دوستانم از من
خواست که کنار بروم و به حرف و خواسته‌اش گوش بدهم.
من دلم نمی‌خواست که از حضرت جدا بشوم، لذا توجهی به
او نکردم. در دور بعدی طواف آن شخص به من اشاره کرد
که به سوی او بروم این بار امام صادق علیه السلام اشاره او
را دید و به من فرمود: ای ابان آیا او با تو کاری دارد؟ گفتم:
آری. فرمود: او کیست؟ عرض کردم: از دوستان من است،
فرمود: او هم مؤمن و شیعه می‌باشد؟ گفتم: آری، فرمود:
پس به سوی او برو و خواسته‌اش را برآورده کن.

عرض کردن: آیا طواف را قطع کنم؟ فرمود: آری گفتم: آیا اگر طواف واجب هم باشد می‌توان آن را به جهت برآوردن حاجت مؤمن قطع کرد و نیمه کاره رها نمود؟ فرمود: آری.

من طواف را قطع کرده و نزد آن شخص رفتم. سپس نزد امام آمدم و از حضرت خواستم حق مؤمن بر مؤمن را بیان کند...

• خاموش کردن چراغ

حارث گوید: شبی در خدمت امیر مؤمنان علیه السلام به صحبت و گفتگو می‌پرداختیم، پس در میان سخن عرض کردم برای من حاجتی پیش آمده است.

امام فرمود: ای حارث! آیا مرا برای بیان نمودن حاجت شایسته می‌دانی؟ عرض کردم: البته یا علی علیه السلام! خدا شما را جزای خیر عنایت کند

ناگهان امام از جای برخاست، چراغ را خاموش کرد و با ملاطفت و مهربانی هر چه بیشتر مخصوص به خود، پهلوی به پهلوی من نشست و فرمود: میدانی چرا چراغ را خاموش

نمودم؟ برای اینکه بدون ملاحظه و رودربایستی، هر چه در دل داری بگوئی، من ذلت احتیاج را در چهره‌ات نبینم اکنون هر حرفی داری بزن، که شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود:

در صورتیکه حوائج مردم بر دل دیگری سپرده شود یک امانت الهی است که باید آن را از دیگران پنهان داشت، و کسیکه آن را فاش نکند ثواب عبادت به او می‌دهند، و هر گاه افشا گردید، بر هر کس که می‌شنود شایسته است که به کمک حاجتمند برخیزد و برای او کار سازی نماید!

سلمان فارسی از صحابه ایرانی و مشهور پیامبر اکرم (ص) بود، او انسانی خردمند و طراح اصلی کندن خندق، در جنگ خندق بود که در اواخر عمر خود نیز استاندار مدائن شد. روزی مردی از اهل شام که بار کاه با خود حمل می‌کرد، به مدائن رسید، نگاه خسته‌اش را به این طرف و آن طرف چرخاند شاید کسی را بیابد و به او کمک کند، وقتی سلمان را دید، او را شناخت و گفت: های! این بار را بردار! سلمان

دسته گاه را بلند کرد، بر سر گذاشت و به سمت خانه آن مرد به راه افتاد.

در بین راه، مردم، سلمان را دیدند که بار گاه را بر روی سر گذاشته و برای آن مرد حمل می‌کند. کسی از میان مردم با تعجب و سرزنش به آن مرد گفت: هیچ می‌دانی این فرد که بار تو را بر دوش می‌کشد سلمان است؟! رنگ از روی مرد پرید، بی‌درنگ رفت تا بار را از سلمان بگیرد و در همان حال شروع به عذرخواهی کرد و گفت: ای مهربان، به خدا من تو را نشناختم، چرا چنین کاری کردی؟ و بار را در دست گرفت، اما سلمان بار را از بالای سر پایین گذاشت و گفت: تا بار را به خانه‌ات نرسانم، آن را بر زمین نخواهم گذاشت.

چو نیکی نمایند گیتی خدای
تو با هرکسی نیز نیکی نمای

شیخ مفید از ابن ابی عمیر از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند: سلمان در کوفه گذرش به بازار آهن‌گرها افتاد. جوانی را دید روی زمین افتاده و مردم گرد او حلقه زده اند. به سلمان گفتند: این بنده خدا غش کرده، چیزی در گوشش بخوان شاید به هوش آید. سلمان بالای سر جوان

قرار گرفت ، تا جوان به هوش آمد ؛ گفت : ای سلمان ! اگر
درباره من چیزی گفتند صحیح نیست ؛ من هنگامی که گذرم
به این بازار افتاد و پتک زدن آهنگرها را دیدم از این آیه یاد
کردم :

« وَ لَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ » حج : 21

« برای بدکاران گرزهایی از آهن است » .

از ترس عذاب و عقاب حق عظم پرید . سلمان گفت : تو را
این ارزش هست که برادر من در راه خدا باشی . و به خاطر
حلاوت محبتی که از او در قلب سلمان جلوه کرد رفیق و یار
یکدیگر شدند ، تا جوان بیمار شد ؛ سلمان بالای سرش
نشست در حالی که جوان در حال جان دادن بود ، سلمان
گفت : ای ملک الموت ! با برادرم مدارا کن . پاسخ شنید :
من نسبت به هر مؤمنی اهل مدارا یم